

جمع بندی عربی کنکور برای ۱۰۰٪ زدن

حل تکنیکی و سرعتی جدیدترین سوالات کنکورهای داخل و خارج کشور
آموزش و یادآوری مختصر نکات مهم در لوح های فشرده آموزشی
پاسخ تشریحی و تحلیلی فوق حرفه ای در لوح های فشرده تصویری
قابل استفاده برای داوطلبان مقاطع دهم، یازدهم، دوازدهم و پشت کنکوری
(تجربی، ریاضی، انسانی، هنر و زبان)

توسط :

حسین احمدی و سعید زلوحی جوکار

«مقدمه»

سخن دل :

« بسیار مهم می نماید که احساس کنیم که مهم هستیم ، ولی اگر دیگران بفهمند نمی گذارند که مهم باشیم یا بشویم ! چرا ؟ شاید از روی حسادت ، یکی از نیازهای بسیار مهم و عمیق هر انسانی احساس « مهم بودن » است که اعتماد پیدا کند که چگونه می تواند توانایی هایش را شکوفا کند ، یعنی همان تصاویری را که در عالم رؤیا مثل یک سریال پرطرفدار دنبال می کند ، به عالم واقع بکشاند قبل از اینکه به این باور برسیم که چگونه اعتماد به نفس قوی داشته باشیم ، باید به خودمان اجازه دهیم متفاوت فکر کنیم و خود را تافته جدا بافته بدانیم ؛ این همان حرفی است که دیگران همیشه به طعنه می گویند ، هر انسانی فقط یک بار با تمام ویژگی های جسمی و روحی در این دنیا حاضر می شود و در هیچ جای دنیا مثل او در حال گذشته و آینده کسی پیدا نمی شود . غیب ! پس چه لزومی دارد همین فردی که مجزا از دیگران است مثل آنها فکر کند ؟ یا حتی مثل گذشتگان فکر کند و بخواد سنه آنها را ادامه دهد ؟ چرا خودش احساس نکند که « مهم » است و می تواند فکر کند و تصمیم بگیرد ؟ نوع بشر اغلب هنگام غوطه ور شدن در مشکلات به سراغ فکر کردن می رود و در بقیه شرایط زندگی از آن استفاده نمی کند و معمولاً به نتیجه ای هم نمی رسد ؛ چون در شرایط با سختی ها دست و پنجه نرم کردن ، ذهن آنقدر آرامش ندارد که بخواد بهترین راه را انتخاب کند و معمولاً بجای بهترین راه ، آسان ترین راه یا سریع ترین راه را انتخاب می کند در چنین شرایطی احساس « مهم بودن » به هر شخصی این امکان را می دهد که در زمان های راحتی و شادی در مورد زندگی فکر کند و تصمیم بگیرد و نگذارد که زندگی یک ماهی شود که دیگران را رانده اش شوند ؛ گاهی اوقات تأکید زیاد بر مشورت کردن با دیگران انسان را از فرو رفتن در تنهایی خود و تفکر باز می دارد و باعث می شود که انسان فقط دنبال این و آن باشد و از آنها الهام و حتی الهیزه بگیرد و نظر خودش را به محض حساب نکند . تأثیر دیگران بر ما خیلی زیاد است و چون ما بیش از حد آنها را قبول داریم ، به شده از آنها تأثیر می پذیریم و گاهی بدون آنکه حتی چند ثانیه تأمل کنیم ، حرفشان را تصدیق می کنیم چرا ؟ شاید بخاطر اینکه نشان از ما بیشتر است یا تحصیلات بیشتر ، روبرو باستی ، قدرتها ، مقام و ... اما آنها این ها دلیلی برای این است که حرفشان درست است یا نه ؟ خیلی وقت ها ما بجای آن که سخن یک نفر را بررسی کنیم که ببینیم درست است یا نه ، فقط به گوینده اش توجه می کنیم و سریعاً هم انتخاب می کنیم . این روش ، فرصت فکر کردن و تصمیم گرفتن و حتی توانایی آن را در ما کم می کند و شاید حواسمان هم نباشد که این تصدیق های نابجا گاهی تبدیل به نگرشمان یا رفتارمان و یا عاداتمان می شوند و در نهایت در زندگی مان بی آنکه بدانیم و خواسته باشیم تأثیر می گذارند ، ابعاد ما که همیشه در انتخاب راه صحیح باشیم و حواسمان به اطرافیانمان باشد ؛ چون همه خوبان ما را نمی خواهند و بعضی ها منتظرند تا موقعیتی پیش بیاید و جلوی پیشرفت ما را بگیرند . فرق نمی کند که آشنا باشند یا غریب ، مهم این است که در دل ها چه می گذرد !

فعل بین کلید لایسود و ذهن بین هدف لایرفند ؛ در واقع حق هم همین است ؛ چون داشتن هدف به زندگی تار یک معنا می بخشد ، انرژی می بخشد ، در واقع هنر در بدسه آوردن آرزوئی و زیبایی است . این کار یعنی اینکه ما هنرمند هستیم ، ساده ترین تعریف هنر ، زیبایی به اضافه درخ است ؛ هر جا زیبایی است ، درخ هم است ، به این دلیل ساده که زیبایی معکوم به فنانسه ، زیبایی همیشه می میرد ، وقتی ماده بعیرد ، رفتار هم می میرد ، وقتی فرد بعیرد ، جهان هم می میرد . در چنین شرایطی خاطره ها باقی می ماند . تعاریف ، شرایط و القابات تلخ و شیرین زندگی به فنا می پیوندند ، اما خاطره و یاد آنها همیشه در اذهان و گاهی هم در دل ها رسوب می کند . پس بهتر است به بهترین شکل ممکن تلاش کنیم تا از زندگی مان بهترین نام و خاطره بماند .

دست گیر و جسمم ما را در گذار
متصل گردان به دریا های خویش

ای خستدای پاک و بی انباز و یار
قطره ای دانش که بضیعی ز پیش

با تشکر سعید زلوحی جوکار